همدلی

راه شفا

سیدعلی صالحی

● گاهی دیده‌ام در بعضی گفت‌وگوها سوال می‌شود مثلا چه شد که به شعر اجتماعی و شعر متعهد روی آوردید؟ من معمولا در نهایت سادگی می‌گویم، نمی‌دانم. پیش‌آمده که مصاحبه‌کننده باور کرده است که واقعا نمی‌دانم! و نمی‌دانم چرا از اساس پای چنین پرسشی به گفت و لطف آدمی باز می‌شود. طبیعی است باید از اهل قلمی- حالا اینجا همه هنرمندان- که خود را از تعهد به انسان و جامعه جدا می‌دانند، پرسید: چه شد که از حساسیت نسبت به سرنوشت انسان پرهیز می‌کنید؟! عشق و شفقت با آدمی به‌دنیا می‌آید. جهان جهنم‌پذیر، به مرور این عشق و شفقت را به محاق می‌برد. ما باید نگهبان این داشته و این دانایی باشیم. شنیدم دوست دانا و دلیرمان شهرام ناظری شریف، به یاری دردزدگان شین‌آباد شعله‌ور برخاسته است. مرحبا رفیق رویاخوان ما. این تعهد فرستادگان روشنایی در نبرد علیه تاریکی‌هاست. باید همین باشد و پرسش بی‌هوده نباشد. وظیفه واژه‌های ما و آرمان عظیم انسان... همین است که در برابر بی‌عدالتی‌ها آرام نگیریم.

مهم نیست این ظلم از سوی طبیعت قهار رخ داده است یا عاملی انسانی یا نقصی ناخواسته، یا حادثه غیرارادی، آن را رقم زده باشد. این بحث دیگری است که به کمیته‌های حقیقت‌یاب مربوط می‌شود، مهم این است که اگر تو از کنار حادثه‌دیده، ظلم‌چشیده، چراغ‌شکسته و مصیبت‌زده‌ای بی‌اعتنا بگذری، همان لحظه همسفره ظالمان شده‌ای. دریغا اندک‌اند آنهایی که با تمام وجود - در برابر انسان- متعهد باشند. حالا ببینید جهان تا کجا پر از ظالم است!

دوزخ شین‌آباد شعله‌ور به کلاس الفبای کودکان، پایان پذیرفته است؟! باور نکنید، حرارت هیولا... هنوز زیر پوست آن دختربچه‌های معصوم به کشتار تبسم ادامه می‌دهد! بازماندگان مرگ مکافاتی را تحمل می‌کنند که هیچ نقشی در شرارت آن نداشته‌اند. همه ما، همه ما، همه ما مسوولیم. شهرام ناظری عزیز... که هرگز اهل حاشیه‌ها نبوده است هم با نظر به همین مسوولیت، قدم پیش‌آورده به آرزوی نجات. دستاورد دنیای کنسرت این خنیاگر خوبی‌ها... روانه راه‌شفا می‌شود و همین درست است...!

زیر آسمان فیروزه‌ای

تمدید یک‌هفته‌ای نمایش «ترانه‌های قدیمی»

● **شرق:** نمایش «ترانه‌های قدیمی» به‌کارگردانی محمد رحمانیان تا ۲۹ شهریور تمدید شد. این نمایش به مدت یک هفته هر روز در دو سانس ۲۰ و ۲۲ در تالار شمس به اجرای خود ادامه می‌دهد. شامگاه ۲۲ شهریورماه که قرار بود آخرین اجرای این نمایش باشد، بازیگران آن به مناسبت بازگشایی خانه سینما با نشان خانه سینما به روی صحنه آمدند. همچنین محمد رحمانیان، کارگردان نمایش در پایان اجرا مانند دیگر دوستداران هنر به خاطر این اتفاق بزرگ و به یادماندنی ابراز شادمانی کرد و بازیگران و تماشاگران با هم سرود «ای ایران» را سر دادند.

ادامه از صفحه اول

وقتی که این «ما» مهم‌تر از آن «همه» می‌شود!

آنهایی که در این سال‌ها به متفاوت‌بودن عادت کرده‌اند، دیگر نمی‌توانند خود را با دیگران در یک عرض ببینند. آنها در طول این سال‌ها هرگز در صف و نوبت نایستاده‌اند. پشت در ننشسته‌اند و به استغاثه چیزی دریافت نکرده‌اند. از همین‌رو اینک از همان جایگاهی با معاون وزیر سخن می‌گویند که پیش‌تر از آن، از همان جایگاه با دیگران سخن گفته‌اند، جایگاهی خودخواسته که نه براساس لیاقت که براساس رابطه بنا شده است. آنها به خود اجازه می‌دهند رییس جدید سازمان سینمایی را «مدیری ناآگاه» و «نابلد» بنامند. مدیری که «گرسنگی اهالی سینما را به بازی گرفته است»! آنها هم نشست مطبوعاتی او را تحریم می‌کنند و هم میهمانی شام او را. «جامعه صنفی تهیه‌کنندگان» با همان ادبیات مختص خودشان «پیوند رانت‌خواران با مدیران نابلد» را هم تبریک می‌گویند. آنها بی‌توجه به قضاوت عموم، بی‌پروا به جنگ خانواده‌ای می‌روند که بسیارشان همچنان در نزد مردم محبوب‌اند، به جنگ خانواده سینما. این همان خانواده‌ای است که در طول سالیان، مردم را در سالن‌های نمایش فیلم، گریانده است، خندانده است، به اندیشه واداشته است و همچنان در کنارشان زندگی کرده است. این خانواده اینک به «خانه»خود باز گشته است تا در آن مأمن گزیند. آیا باز گروهی در تلاشند تا آن مأمن را برای این خانواده ناامن کنند؟

به راستی در این چند سالی که گذشت، نگاه این گروه خاص به فرهنگ و اخلاق اینگونه بوده است که در این بیانیه آمده است؟ آنها با همین ادبیات و با همین عصبانیت در فیلم‌های‌شان با مردم حرف می‌زده‌اند؟ بی‌آنکه پروای طردشدن از سوی مخاطب داشته باشند؟ این ادبیات هنجارشکن ریشه در کدام ایده و آیین دارد؟ آرمانی که به‌دنبال آن هستند کجاست؟ لابد شنیده‌اند و شنیده‌اید که «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

والسلام

ناظری: بخشی از عواید کنسرتم را به دختران پیرانشهری اختصاص می‌دهم

آواز «شوالیه» برای کودکان «شین‌آباد»

پرویز براتی

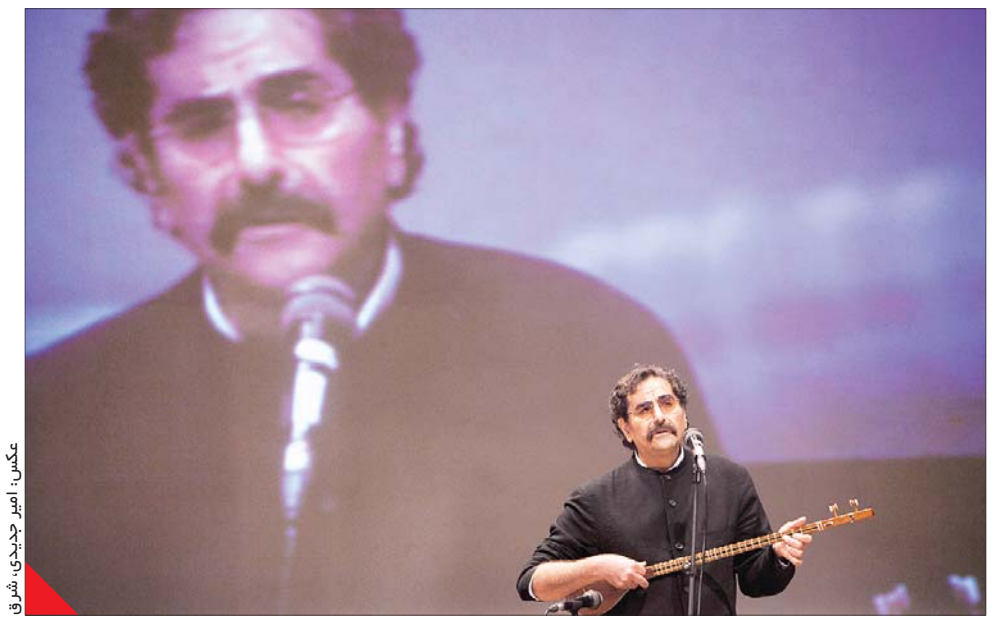

عکس: امیر جدیدی، شرق

آتشی که بر جان و تن دختران مدرسه «شین‌آباد» نشست، دل هر دردمندی را سوزاند. عکس‌ها و گزارش‌های روز یکشنبه «شرق» از آخرین وضعیت این کودکان، حاکی از عمق فاجعه‌ای بود که دختران پیرانشهری در آستانه سال تحصیلی جدید با آن دست به‌گریبانند. در این میان، هنرمندان این مرزوبوم هم خود را با غم این کودکان شریک می‌دانند؛ همچنان‌که «شهرام ناظری» موسیقیدان مردمی این‌سال‌ها، قصد دارد بخشی از عواید کنسرت روزهای ۲۸ و ۲۹ شهریور (پنجشنبه و جمعه) خود را در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران، به درمان این کودکان اختصاص دهد. هنرمندی که طی سه‌دهه گذشته بی‌هیچ قیل‌وقالی در سختی‌ها و ناملایمات جامعه با آثار خود همراه مردم بوده، این‌بار هم می‌خواهد با طنین صدایش به یاری این دختران بشتابد که دست‌کم ۲۰نفر از آنها همچنان با مشکل هزینه‌های بالای جراحی پلاستیک روبه‌رویند. خواننده‌ای که معتبرترین مدال‌ها و افتخارات جهانی را برای موسیقی و آواز این مرزوبوم به ارمغان آورده، هفته گذشته نیز کنسرتی خیریه برای بیماران نیازمند سرطانی استان کردستان برپا کرد. او تا ۲۰روز دیگر هم مهیای اجرای کنسرتی در مهاباد به‌نفع بیماران جذامی خواهد شد. در همین زمینه گفت‌وگوی کوتاهی با ایشان ترتیب داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

اگر ممکن است در ابتدا درباره اختصاص بخشی از عواید اجرای کنسرت روزهای ۲۸ و ۲۹ شهریور به دختران حادثه‌دیده روستای «شین‌آباد» بگویید...

هر هنرمندی، صرفنظر از ابعاد هنری و زیباشناختی کارش، یک انسان است. طبیعتا درد مردم، درد او و شادی آنها شادی اوست. من نیز خود را از این قاعده مستثنا نمی‌دانم. به‌شخصه بر این باورم که از موفقیت خودم و اطمینانی که جامعه به من به‌عنوان هنرمندی ملی دارد، برای امور خیریه و کمک به مردم نیازمند و به‌خصوص بیماران نیازمند بهره ببرم. با گذشت ۹ماه از حادثه دلخراش مدرسه «شین‌آباد» پیرانشهر همچنان این رخداد تلخ، نمادی از دردهای اجتماع است. از این‌رو زمانی که پی بردم هنوز مشکلات کودکان آسیب‌دیده در آن حادثه رفع نشده و این کودکان در زمینه تامین هزینه‌های درمان خود با مشکل مواجه هستند، تصمیم گرفتم با تخصیص بخشی از عواید کنسرت پیش‌رو در حدی که امکانش وجود دارد برای معالجه و تامین داروهایشان سهیم باشم دلم می‌خواهد با سایر هنرمندان در این حرکت انسانی با هم همراه شویم تا این‌قبیل اقدامات در قالب فعالیت‌های خیرخواهانه صنفی تداوم یابد.

گویا هفته گذشته هم کنسرت خیریه‌ای برپا کرده بودید. آن کنسرت کجا و به چه منظور برپا شد؟

پنجشنبه و جمعه‌ای که گذشت (روزهای ۲۱ و ۲۲ شهریورماه) در سنندج کنسرتی را همراه با گروه «مولوی» به‌نفع «انجمن خیریه حمایت از بیماران سرطانی استان کردستان» برگزار کردیم. البته در کنار این برنامه‌ها قصد داریم ظرف یک‌ماه آینده کنسرت دیگری را به‌نفع جذامیان شهرستان مهاباد برگزار کنیم.

حرکت‌ها و برنامه‌هایی که اخیرا شما در برپایی کنسرت‌های خیریه در پیش گرفته‌اید آیا قرار است صورت منسجم‌تری به‌خود بگیرد؟

فکر می‌کنم در آینده‌ای نزدیک با همیاری و مشورت دیگر هنرمندان بنیادی تشکیل دهیم تا بتوانیم از طریق برپایی کنسرت و همچنین از طریق کمک گرفتن از مراکز دیگر این اقدامات را به شکلی منسجم‌تر و سریع‌تر پیش ببریم. بخشی از تمرکز ما در این دسته برنامه‌ها، روی منطقه کردنشین است. یک دلیل این امر آن است که من خود یک کرد هستم. از طرف دیگر می‌دانیم که کردها در تاریخ خیلی لطمه دیدند. این برنامه را شروع کرده‌ایم و منسجم‌تر دنبال خواهیم کرد تا بتوانیم از مراکز دیگر هم کمک بگیریم. مثلا شرکت «کار و اندیشه» در این زمینه با ما همکاری خواهد کرد.

موسیقی همیشه با حس انسانی همراه بوده است. چه انگیزه و نیتی در وجود شما هست که سبب شده این فعالیت‌ها و برنامه‌ها را برای مردم کردستان و دیگر مناطق کشور تدارک ببینید؟

همه اینها نشات‌گرفته از عاطفه درونی من است. به هر حال انرژی‌های بزرگی هست که از سوی مردم به من می‌رسد. همه اینها، کار قلب است و عشقی که به این مردم دارم. طبیعتا در این کار یک بهره معنوی و درونی می‌برم. انسان در زندگی هر کاری که انجام می‌دهد چیزی در مقابلش دریافت خواهد کرد؛ در حقیقت همه صداها به خود آدم برمی‌گردد. بنابراین چرا ما باید در این زمینه کوتاهی کنیم؟ الان دیگر وقتش فرارسیده است که عمیق‌تر و منسجم‌تر تا حدی که از دست من و دیگر هنرمندان برمی‌آید کاری انجام دهیم.

به تاسیس بنیاد اشاره کردید. این بنیاد چه خط‌مشی‌ای دارد؟

ما قصدمان خدمت است. هر کاری که به نفع مردم نیازمند باشد، همان را انجام می‌دهیم. در زمانی مناسب ضمن مشورت با دیگر هنرمندان نام و خط مشی‌ای را برای این انجمن در نظر خواهیم گرفت.

آیا فعالیت‌های این بنیاد در عرصه بین‌المللی هم گسترش خواهد یافت؟

این قدم اول ماست. فعلا تمرکزمان را گذاشته‌ایم روی منطقه کردنشین و دیگر نقاط کشور عزیزمان. در حال حاضر برنامه مشخصی برای فعالیت بین‌المللی این بنیاد در ذهن نداریم. فکر می‌کنم در ایران آنقدر خرابی، مشکلات و بیماری و مردم بی‌بضاعت وجود دارد که اولویت با آنهاست. فعلا انرژی و ذهنمان را روی جغرافیای کشورمان می‌گذاریم ولی بعدا نمی‌دانیم چه پیش می‌آید. البته هر قدر دایره این فعالیت‌ها وسیع‌تر باشد بهتر خواهد بود. این دیگر سعادت ماست که به صورت وسیع‌تری فعالیت کنیم.

در کنسرت ۲۸ و ۲۹ شهریور کدام قطعات را اجرا خواهید کرد؟

به درخواست مردم در این برنامه هم قصد دارم آثار نوستالژیکام را روی صحنه ببرم. کارهایی که با آنها زندگی کرده‌ایم. اینها قطعاتی هستند که به قول بعضی‌ها با آنها بزرگ شده‌اند؛ مثل «ما درس سحر در ره میخانه نهادیم»، «یادگار دوست»، «اندک اندک جمع مستان می‌رسد»، «دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد»، «آتش در نیستان»، «الایا ایها ساقی، ادرکاسا ونا ولها/ که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها»، بخشی از «لولیان» و «چه دانستم که این سودا مرا زین‌سان کند مجنون». همچنین بخشی از این کنسرت به موسیقی پر شور کردی اختصاص دارد. در این کنسرت گروه «مولوی» مرا همراهی خواهد کرد. به طور کلی این کنسرت اشاره‌هایی به کارهای گذشته‌ام دارد؛ کارهایی که از آنها خاطره داریم و با آنها زندگی کرده‌ایم. برپایی این کنسرت بنابر درخواست مردم روزهای پنجشنبه و جمعه همین هفته به یاد دختران مدرسه «شین‌آباد» پیرانشهر اجرا خواهد شد.

هنرمندان «تئاتر آزاد» به پلیس امنیت احضار شدند

شرق: در اقدامی بی‌سابقه پلیس امنیت اجتماعی با احضار تعدادی از هنرمندان تئاتر آزاد بعد از بازجویی آنها را به قوه‌قضاییه و دادگاه ارجاع داده است. این اتفاقی است که «مجید جعفری» رییس انجمن تئاتر آزاد در گفت‌وگو با «شرق» آن را تایید کرد و گفت که این احضارها از یکی، دو ماه گذشته با هنرمندان این انجمن صورت گرفته است.

انجمن هنرمندان تئاتر آزاد گروهی از هنرمندان تئاتر هستند که تئاترهای سرگرم‌کننده‌ای را در سالن‌های خصوصی مانند «بولینگ چمران» و «تئاتر گلریز» روی صحنه می‌آورند. این گروه‌ها به سبک نمایش‌های تخته‌حوضی با بداهه‌گویی به برخی از موضوعات روز و حتی سیاسی و اجتماعی می‌پردازند. در سال‌های گذشته با توجه به ماهیت این‌گونه‌های نمایشی سختگیری‌هایی که نسبت به تئاتر حرفه‌ای صورت می‌گرفت اتفاق نمی‌افتاد و با نظارت‌هایی مجوز اجرایی این نمایش‌ها صادر می‌شد؛ نمایش‌هایی که با استقبال خوبی از سوی مخاطبان هم روبه‌رو هستند. مسوولیت نظارت و ارزشیابی بر این تئاترها نیز مانند تئاترهای حرفه‌ای با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. اما با ورود پلیس امنیت اجتماعی و صدور حکم برای برخی از این هنرمندان ادامه فعالیت این گروه‌ها با مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد. این نکته‌ای است که جعفری نیز به آن اشاره کرده و خواستار رسیدگی و پایان دادن به چنین برخوردهایی شده است. به گفته جعفری: «همه نمایش‌هایی که در تهران یا شهرهای دیگر توسط اعضای انجمن تئاتر آزاد روی صحنه می‌رود مجوز قانونی دارد. هنرمندان تئاتر آزاد برای نشاط و شادی کار تئاتر می‌کنند و به هیچ‌وجه کاری به مسایل سیاسی ندارند. بخشی از شوخی‌ها به ذات این‌گونه نمایشی مربوط است.» او با اشاره به اینکه در این مدت تعدادی احضاریه برای برخی از گروه‌ها و اعضای آنها فرستاده شده است، گفت: «این احضاریه‌ها از سوی پلیس امنیت اجتماعی بود. آنها بعد از بازجویی از هنرمندان آنها را به قوه‌قضاییه ارجاع دادند. خوشبختانه قاضی‌ای که مسوول پرونده بود؛ قبل از صدور حکم که بسیار سنگین بود؛ از سوی مرکز هنرهای نمایشی استعلام گرفت.» مرکز هنرهای نمایشی در این استعلام توضیح داده است که همه این اجراها با مجوز رسمی بوده و در طول زمان اجرا نیز به‌صورت نامحسوس هر اجرایی بازبینی می‌شود و اگر مشکلی باشد به گروه تذکر داده می‌شود. جعفری می‌گوید: «این توضیح مرکز هنرهای نمایشی باعث شد تا قاضی حکم این همکاران را مسکوت نگه دارد اما وضعیت احضار و بازجویی همچنان ادامه دارد و باعث پایین‌آمدن امنیت آنها شده است.» رییس انجمن تئاتر آزاد با اشاره به جو ناامن موجود برای اعضای تئاتر آزاد گفت: مجرای صادرکننده مجوز اجراها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

عکس روز

نمایشگاه «شاگال: عشق، جنگ و تبعید» از ۱۵ سپتامبر سال‌جاری تا دوم فوریه ۲۰۱۴ در نیویورک به نمایش گذاشته می‌شود. شاگال از جمله پیشگامان نقاشی مدرنیست قرن بیستم است که آثارش در بسیاری از موزه‌ها و نمایشگاه‌های مهم به نمایش گذاشته شده اما در این نمایشگاه، نقاشی‌هایی از او روی دیوار می‌رود که در فاصله سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۸ میلادی خلق شده و تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. او در این دوره از پاریس به نیویورک می‌رود و می‌توان نگرانی‌های شخصی، درد و رنجش را از فاشیسم، جنگ و تبعید در آنها مشاهده کرد. **عکس: AFP**

چهره روز

با حمایت وزیر فرهنگ لهستان

«پولانسکی» به سرزمین مادری بازگشت

● **شرق:** در حالی‌که پرونده قضایی «رومن پولانسکی» در یکی از دادگاه‌های فدرال آمریکا در جریان است؛ این کارگردان سرشناس با حمایت مقامات عالی‌رتبه دولتی لهستان با فیلم «ونوس در پوست خز» در اختتامیه جشنواره فیلم گدینیا حاضر شد و درباره فیلم‌هایش صحبت کرد.

به گزارش «هالیوود ریپورتر» پولانسکی که سال‌هاست ساکن فرانسه است؛ با دعوت رسمی و حمایت وزیر فرهنگ لهستان به اختتامیه جشنواره گدینیا رفت و جایزه اصلی یعنی شیر طلایی آن جشنواره را به «پاول پاولیکوفسکی» کارگردان «آیدا» داد. او همچنین در این مراسم با صحبت درباره فیلم‌هایش از اینکه در بیشتر فیلم‌هایش زنان قربانی می‌شوند، ابراز تاسف کرد. پولانسکی در این سفر یک کارگاه تخصصی برای دانشجویان مدرسه فیلم لهستان برگزار کرد. او پس از شرکت در جشنواره کن امسال در جمعی دیده نشده بود. کارگردان فیلم پیانیست در این جمع گفت: «خودش را با فیلم‌هایش بیان می‌کند و از حضار خواست تا به فیلمش توجه کنند. او در این سخنرانی کوتاه پنج‌دقیقه‌ای ابراز تاسف کرد که زنان معمولا قربانیان فیلم‌هایش هستند و گفت معمولا شخصیت‌های قوی و پیچیده زن در فیلم‌هایش حضور دارند.» پولانسکی پنجشنبه‌شب وارد لهستان شد و تا امروز خواهد ماند. او چند سال پیش به جرم آزارجنسی یک دختربچه در سال ۱۹۷۷ در یکی از دادگاه‌های آمریکا محکوم شد و به فرانسه فرار کرد. طبق قانون آمریکا او در صورت ورود به خاک این کشور دستگیر می‌شود. به همین دلیل هم او تا به حال نتوانسته اسکارش را برای فیلم پیانیست در دست بگیرد. هنوز روشن نیست که آیا حضور او در لهستان می‌تواند از سوی مقامات آمریکایی دردسرساز شود یا خیر؟ پیش از این و در ۲۷سپتامبر ۲۰۰۹ رومن پولانسکی برای دریافت جایزه‌ای که قرار بود در جشنواره فیلم زوریخ به مناسبت تجلیل از کارنامه هنری‌اش به او داده شود، به این شهر سفر کرد ولی در فرودگاه زوریخ و با استناد به درخواست دادگستری ایالات متحده آمریکا توسط پلیس دستگیر شد. او چند هفته به دلیل پیدانشدن علت دستگیری توسط وزیر دادگستری سوییس آزاد شد.